نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان

نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان

سید مهدی بزرکی

فوق لیسانس روابط بین الملل

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه:

در عصر حاضر بلوكهاي قدرت در عرصه روابط بين الملل فعال هستند، اما كشورهاي اسلامي كه روزي داراي عظمت و ابهت خاصي در جهان بودند، اكنون با مشكلات داخلي گوناگوني مواجه هستند. كشورهاي قدرتمند اكنون براي حفظ انسجام و دوام بقاي خود به دشمن تراشي هاي مختلف روي آورده‌اند و در اين راه، به سوي اسلام نشانه رفته‌اند. دشمنان اسلام براي از بين بردن توانائي هاي مسلمين به ترفندهاي مختلفي دست مي‌زنند كه از جمله مي‌توان به تلاش براي جلوگيري از وحدت مسلمانان و ايجاد تفرقه بين آنها اشاره كرد.

در چنين شرايطي مسلمانان جهان مي‌توانند با تجمع بر حول محور اسلام اهداف شوم استكبار جهاني را با شكست مواجه سازند. اين تفكر در ايران با پيروزي انقلاب اسلامي به حيطه عمل راه يافته است و تلاش بر اين است تا با گذشت زمان تعداد بيشتري از مسلمانان در زير لواي اسلام گردهم آيند. در اين راستا استراتژي وحدت بين مسلمين مطرح مي‌گردد.

تحقيق حاضر كاري است جهت بررسي و تبيين نقش انقلاب اسلامي ايران در بيداري و وحدت مسلمين جهان كه از طريق پاسخگويي به سئوالات مختلف اين هدف را پوشش خواهد داد. از جمله اين سئوالات مي‌توان به موارد زير اشاره كرد: انقلاب اسلامي ايران به چه دليلي و تحت چه شرايطي به وقوع پيوست؟ آثار انقلاب اسلامي نسبت به ديگر جوامع مسلمان چيست؟ وحدت و اخوت اسلامي چگونه تعريف مي‌شوند؟ اصول اساسي تحقق اين اصل كدامند؟ نظر بنيان گذار كبير انقلاب اسلامي حضرت امام خميني (ره) در مورد علل تفرقه بين مسلمانان و راه حل هاي رفع اين مشكل چيست؟ وبالاخره اينكه جمهوري اسلامي ايران براي نيل به اين هدف چه اقداماتي انجام داده است؟

شيوة تحقيق اين مجموعه به روش كتابخانه‌اي است و سازماندهي تحقيق در قالب سئوالات مطروحه فوق مي‌باشد كه در بهرة نخست در قالب كليات مسائل نظري وحدت اسلامي مطرح گرديده و نقش و آثار نتايج اين امر تبيين شده است. در بهرة دوم تحت عنوان انقلاب اسلامي و استراتژي وحدت اسلامي مخصوصاً نظرات حضرت امام در مورد علل تفرقه بين مسلمين و راه‌هاي جلوگيري از آن ذكر گرديده است در بهرة سوم نيز اقدامات عملي انجام شده براي تحقق وحدت اسلامي احصا شده‌اند. و در آخر به ارائه خلاصه‌اي از چكيده مباحث، يافته‌هاي جديد بعضي راه حل ها اقدام گرديده است.

بهرة نخست:

كلياتي در باب وحدت اسلامي

در اين بخش مسائل نظري مربوط به وحدت و بيداري مسلمانان مورد مداقه قرار مي‌گيرد كه به عنوان آغازگر بحث وقوع انقلاب اسلامي و تاثير آن بر وحدت اسلامي مورد بحث قرار خواهد گرفت و در ادامه مفاهيم وحدت اسلامي و اخوت اسلامي و آنگاه اصول استراتژي وحدت اسلامي و تاثير و نتايج آن، بيان مي‌گردد.

گفتار اول:

وحدت؛ زمينه ساز پيروزي انقلاب اسلامي ايران

كشور جمهوري اسلامي ايران با دارا بودن تمدني ديرينه كه قدمتي بس طولاني دارد حكومت هاي مختلفي را تجربه كرده است. و نظام‌هاي سياسي متعدد با استفاده از شيوه‌هاي گوناگون در اين كشور حكومت كرده‌اند اين شيوه‌ها طيف وسيعي را از حكومت هاي مبتني بر زور تا حكومت هاي ديني در بر مي‌گيرد. قبل از پيروزي انقلاب اسلامي در ايران نظام شاهنشاهي جزو آن دسته از رژيم‌هايي محسوب مي‌شد كه به شدت در فرهنگ و تمدن ايران ريشه دوانده بود. در ايران بعد از اسلام بعضي از اين نظام هاي زورمدار و استبدادي براي تداوم بخشيدن به حكومت خود حتي اسلام رانيز در خدمت خود مي‌گرفتند و پادشاهان زورگو بادادن لقب «ظل ا» به خود حق حكومت بر مردم را توجيه مي‌نمودند.

به تدريج با شكل گيري نظام بين الملل و تاثير آن بر حكومت هاي مختلف رابطه و تعاملي بين اين دو پديد آمد كه اين امر در مورد ايران با آغاز دوره حكومت قاجاريه مصداق پيدا مي‌كند و در دوره حكومت پهلوي فعال مي‌گردد نفع مشترك حكومت‌هاي استبدادي استكبار جهاني ايجاب مي‌كرد تا اين دو در مقابل جبهه مردمي كه ماهيت اسلامي داشتند، متحد شوند زيرا عقايد اسلامي و مردم مسلمان همانند سدي بر مقابل مطامع استبداد و استكبار به شمار مي‌رفتند.

در اين شرايط «اسلام زدايي» به عنوان يكي از استراتژي‌هاي اصلي دشمنان اسلام (استبداد استكبار) در آمده بود.

اما در مقابل، جوامع اسلامي انفعال راكنار گذاشته و متفكرين پيدا شدند كه با تاكيد بر اسلام و بازگشت به اصول و ارزشهاي اصيل اسلامي به مقابله با آنها پرداختند. اين جريانها در حوزه انديشه سياسي تفكر «احياي ديني» ناميده شده‌اند.

آنچه كه به نفوذ و نهادينه شدن هر چه بيشتر «تفكر احياي ديني» در جهان اسلام كمك كرد ظهور جنبش هاي مذهبي ديگر در سطح جهان بود. بدين معني كه از اواخر قرن 19 به بعد كشورهاي مختلف جهان مخصوصاً كشورهاي پيشرفته اروپايي مكاتب مختلفي از قبيل سرمايه‌داري، كمونيسم، فاشيسم و ناسيوناليسم را جهت نيل به توسعه و سازندگي تجربه كرده بودند ولي سئوالات مزمن وبسيار اساسي همچنان در حيطه سياست باقي مانده بود. از جمله اينكه حكومت بايد در دست چه كسي باشد و يا اينكه شكل حكومت بايد چگونه باشد؟ در اين ميان، تنها انديشه‌هاي ديني بودند كه هر چند از زمان شروع «رنسانس» دستخوش تحولات اساسي شدند ، ولي تا آن زمان يعني دهه 1960 هنوز مورد آزمون مجدد قرار نگرفته بودند و لذا با مطرح شدن انديشه‌هاي ديني، جذابيت خاصي براي اين انديشه‌ها در بين مردم پديد آمد([1]). از جمله اين انديشه‌ها مي‌توان به نهضت‌هاي رهايي بخش مسيحي كه امريكاي لا تين در اين زمان اشاره كرد.

ايدئولوژي هاي بيگانه در جهان اسلام نيز به شكل بي نتيجه تجربه شد. و همين امر باعث دلسردي مردم و ايجاد خلا ايدئولوژيك در بين آنها گرديده بود. لذا ظهور اسلام گرايي، به دنبال خلاء ايدئولوژيك و عدم موفقيت در رسيدن به يك اتحاد واقعي اين معني را به اثبات مي‌رساند كه تحقق و حدت سياسي جزاز طريق اسلام امكان پذير نيست، چرا كه قرآن مجيد مي‌فرمايد:

P... لَوْ انفَقْتَ ما فِي الارضِ جَمِيعاً ما اَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلكِنَّ اللَّهَ
الَّفَ بَيْنَهُمْ...0 يعني اگر تمامي آنچه كه در زمين است، صرف ايجاد الفت و يگانگي قلب‌ها بنمائي، نخواهي توانست، بلكه خداست كه قلبها را به هم پيوند والفت مي‌دهد.

در اسلام راه حل گرسنگي كه امروزه به عدالت اجتماعي ياسوسياليسم و راه حل ترس و وحشت كه به عدالت سياسي يا دموكراسي تعبير مي‌شود، بيش بيني شده و اسلام آن را براي پيروان خود تضمين كرده و به اين وسيله آنان را از كرنش در برابر سوسياليسم و دمكراسي معاصر بي‌نياز ساخته‌است([2]).

اين دو عامل همواره مورد توجه اعراب مسلمان بوده است و آنها در جستجوي يافتن راه حلي مناسب براي آن بوده اند و از آنجا كه ساير ايدئولوژي‌ها نتوانسته‌اند اين نوع معضلات اجتماعي و اقتصادي را حل نمايند، لذا هدف اصلي «رستاخيز اسلامي معاصر» بازگشت به ريشه‌ها و اصول اسلامي بر طبق سنت پيامبر o مي‌باشد و اين بازگشت به هويت اسلامي، تنها راه حل مطلوب براي رسيدن به عدالت اجتماعي و وحدت سياسي به شمار مي‌رود.

بنابراين عدم موفقيت ايدئولوژي هاي وارداتي و تلاش استكبار و استبدادي براي اسلام زدايي مهمترين عوامل تجديد حيات جنبش هاي اسلامي مي‌باشند. جنبش ها و گروه‌هاي اسلامي كه تجسم رستاخيز اسلام سياسي محسوب مي‌شوند، نه تنها در اثر عدم كارايي ايدئولوژي مختلف و فقدان همسونگري دربارة شيوه اداره حكومت و اعمال سياست داخلي و خارجي، به اسلام روي آورده‌اند، بلكه در بازگشت به هويت اسلامي حكومت‌هاي ضد اسلامي خود را نيز به منازعه طلبيده‌اند و به شيوه‌هاي مختلف در پي رويارويي و از ميان برداشتن آنها هستد و حتي با حاميان خارجي آنها يعني امريكا، اسرائيل و ديگر متحدان غربي اشان به مبارزه برخاسته‌اند.

مبارزه با «اسلام زدايي» و تغذيه فكري اقشار مختلف جامعه از منابع سرشار اسلامي درد مشترك تمامي جوامع اسلامي به شمار مي رفت و در اين شرايط بود كه انقلاب اسلامي در ايران به رهبري حضرت امام خميني (رضوان ا تعالي عليه) به وقوع پيوست و تاثيرات عميقي به ويژه در جهان اسلام بر جاي گذاشت. پيروزي انقلاب اسلامي ايران عامل ديگري در شكوفايي روزافزون جنبشهاي اسلامي محسوب ميگردد. «خيزش اسلامي، در ميان يك ميليارد مسلمان جهان، پس از سرنگوني رژيم پهلوي در سال 1979 در ايران اثرات عميقي بر جاي گذاشت و وضعيت موجود حاكم بر اين كشورها را به شدت متزلزل كرد.» ([3]).

تاثيرات عميقي كه واژگوني رژيم پهلوي و تاسيس جمهوري اسلامي ايران در جهان و بالاخص دنياي اسلام به جاي گذاشته بسياري از حكومتها را به تجديد نظر در خط مشي حاكمه، وادار نمود.

رهبران گروههاي اسلامي به عنوان منعكس كنندگان روياي نجات بخش اسلام كه از سوي امام خميني رحمه ا عليه به واقعيت پيوست، بازگشت به تعاليم اسلامي را جهت مبارزه با آنچه آنها آن را نفوذ منحط غرب ميپندارند، هدف خودقرار دادهاند، و تحت لواي اسلام خواستار اعمال نفوذ بيشتر در اداره مملكت خويش و پايان دادن به ظلم و فساد حاكمان بي كفايت خود ميباشند.

گفتار دوم:

استراتژي وحدت اسلامي

منظور از استراتژي وحدت اسلامي اصولي هستند كه براي تحقق اين مهم بايد مدنظر قرار گيرند.

الف ـ مساعي مشترك علماء ومتفكران مذاهب اسلامي

رهبران، علماء و انديشمندان اسلامي كه معمولاً مواضع و تصميمات آنها عكس العمل هاي محسوس و مؤثري در ميان آحاد مردم مسلمان به جاي مي‌گذارد، نقش مهمي در بيداري و آگاهي افكار عمومي از بايدها و نبايدهاي مذهبي ايفا مي‌كنند. اين نقش با توجه به مقام معنوي آنها هم در ميان شيعيان وهم در ميان اهل تسنن داراي اهميت خاصي مي‌باشد و كارايي و تاثير قابل توجهي در ايجاد تفاهم، همكاري و تقريب مذاهب اسلامي خواهد داشت. بنابراين اولين گام در راستاي تحقق اين مهم متوجه انديشمندان و علماي اسلامي است كه هدايت عامه مردم رابعهده دارند بدون عنايت و توجه اين قشر متنفذ، استراتژي وحدت اسلامي عملي نخواهد بود و به همت و مساعي علماء و متفكران همه مذاهب اسلامي است كه سياست هاي شوم حكومت‌هاي گذشته از پيكره مذاهب اسلامي زدوده مي‌شود و حقايق هر مذهب آنگونه كه هست به مسلمانان نمايان مي‌گردد و در نتيجه بسياري از تعصبات مذهبي از بين مي‌روند.

اين امر باتدوين كتب تقريبي و وحدت گرايانه، تدريس، خطابه و نيز صدور فتاوي سرنوشت ساز مي‌تواند تحقق يابد. در اين ميان آنچه توجه و اهتمام بيشتر مراجع، علماء و فقهاي اسلامي را مي‌طلبد، اشراف و كنترل و آگاه كردن مبلغين اسلامي از اثرات سوء و زيان بار طرح مطالب و موضوعاتي است كه به وحدت و يكپارچگي اسلام خدشه وارد مي‌كند. زيرا نشر عقايد و افكاري كه پايه و اساس صحيح نداشته و بر مدارك و اسناد محكم استوار نباشد، نه تنها سبب بدبيني و گمراهي عده‌اي از مردم مي‌گردد بلكه باعث مي‌شود تا تمام تلاش‌ها و تصميماتي كه در سياست خارجي جهت تحقق و حدت و يكبارچگي جهان اسلام مبذول مي‌گردد، يكباره بي‌اثر و خنثي شوند.

ب ـ هماهنگي سياست داخلي و سياست خارجي

از اصول ديگر استراتژي وحدت اسلامي، يگانگي و همخواني سياست داخلي با سياست خارجي وبالعكس مي‌باشد. با توجه به نقش و تاثير اوضاع و شرايط داخلي در تصميم گيري هاي سياست خارجي در صورت عدم توجه سياستگزاران به حقايق موجود در داخل كشور چه بساموجبات تناقض گويي تضاد و از دست دادن حيثيت نفوذ و قدرت خود را در صحنه بين المللي فراهم بياورند. در مورد استراتژي وحدت اسلامي قبل از طرح و اجراي اين استراتژي در عرصه روابط بين الملل بايستي عناصر مختلف نظام سياسي در مورد طرح و چگونگي اجراي اين استراتژي، به اجماع داخلي برسند. به عبارت ديگر تفكر تقريب و انديشه وحدت اسلامي براي

كارگزاران، انديشمندان و محافل و نهادهاي داخلي بايد به يك باور تبديل گردد و در تمامي اقدامات و برنامه ها مورد لحاظ قرار گيرد در صورتي كه دولتي در سياست خارجي خود، مروج و مبلغ وحدت و تقريب مذاهب اسلامي باشد ولي در ميان آحاد مردم و افكار عمومي از پشتوانه محكمي براي جامه عمل پوشاندن اين تفكر برخوردار نباشد، در اجراي آن با بن بست روبر و خواهد شد.

ج ـ تاكيد و توجه به اصول مشترك مذاهب اسلامي

از اصول بسيار مهم استراتژي وحدت اسلامي، به خصوص در مجامع و گردهمائي هايي كه در آن پيروان مذاهب مختلف اسلامي حضور دارند، توجه و عنايت به اصول مورد اشتراك و اتفاق همه مذاهب اسلامي است. از جمله اينكه همه مسلمانان خداي واحدي را مي پرستند، كتاب آسماني آنها قرآن كريم است، همه به سوي يك قبله نماز بپا مي دارند، حضرت محمد o پيامبر تمام مسلمانان است، حج، روزه، امر به معروف و نهي از منكر و جهاد در راه خدا و بسياري از احكام ديگر نيز در تمام فرق اسلامي مجري مي باشند. بنابراين تاكيد و توجه بر اصول اساسي دين مبين اسلام كه هر فرد را در حوزه خود به عنوان مسلمان معرفي مي كند، از اصول بسيار مهم استراتژي وحدت اسلامي به شمار مي آيد.

د ـ تسامح و تساهل نسبت به مذاهب اسلامي ودوري از سياستهاي تفرقه برانگيز

بايد مدنظر داشت كه هر يك از مذاهب اسلامي داراي مباني فقهي خاص خود هستند كه در پرتو تلاش علماء و فقهاي هر فرقه و از طريق استنباط از مهم ترين منابع اسلامي يعني قرآن و سنت پيامبر o براي پيروان آنها ارائه شده است. عمل به اين احكام و دستورات از سوي پيروان هر يك از مذاهب مورد احترام مي باشد، زيرا در نتيجه فهم و ادراك علماء و فقها از اسلام بوده است.

بنابراين تسامح و خويشتن داري و احترام متقابل به عقايد و احكام مذاهب اسلامي و چه بسا پيروي از فقيه به عنوان يك عمل پسنديده اسلامي، براي جلوگيري از هرگونه درگيري و جدال كه موجب خدشه دار شدن كيان اسلام و در خطر افتادن آن مي‌گردد، از طرف فقها و علما توصيه شده است.

همگام با تساهل و تسامح، دوري از سياست‌هاي تفرقه برانگيز دشمنان اسلام كه معمولاً با استفاده از ابزارها و شيوه‌هاي مختلف در صدد ايجاد بدبيني، سوء ظن و انحراف اذهان مردم مسلمان صورت مي‌گيرد. از اصول بسيار ضروري براي رسيدن به وحدت اسلامي است. در اين رابطه به نظرات دو تن از انديشمندان بزرگ معاصر جهان اسلام اشاره مي‌شود.

1 ـ علامه سيد محمد حسين طباطبايي:

«... بايد همواره متذكر اين حقيقت بود كه اختلاف دو طائفه در فروع است و در اصول دين باهم اختلافي ندارند و حتي در فروع ضروريه دين مانند نماز، روزه، حج، جهاد وغير آنها، متنفذ مي‌باشد. وهمگي قرآن و كعبه را يكي مي‌دانند. خوشبختانه دنياي اسلام كم كم به اين حقيقت پي مي‌برد و تاييد فكر تقريب بين مذاهب اسلامي از طرف مراجع شيعه براي همين منظور بود و شيخ بزرگوار «الازهر» نيز اين حقيقت را با كمال صراحت لهجه بيان نمود. و اتفاق كامل ديني شيعه و سني را به همه جهانيان اعلام نمود... بايد هم مناقشه علمي شيعه در سطح عالي، همواره ادامه يابد تا تاريكي‌ها روشن و حقايق براي عموم كشف گردد و اين امر ربطي به تعصب ورزي و حمله و نشر اكاذيب ندارد»([4]).

2 ـ استاد شهيد مطهري

«آنچه بر سر مسلمين آمد كه شوكت آنها را گرفت همين اختلاف‌هاي فرقه‌اي است، بدون شك نياز مسلمين

به وحدت و اتفاق از برترين نيازهاست و درد اساسي جهان اسلام، همين كينه‌هاي كهنه ميان مردم مسلمان است، دشمن همواره از اين استفاده مي‌كند»([5]).

گفتار سوم:

نقش استراتژي وحدت اسلامي در برقراري روابط ديپلماتيك

نفع مشترك و تلاش براي حصول آن يكي از مهمترين عوامل برقراري رابطه بين كشورهاست و كشورها براي تامين منافع خود از ابزارها و تاكتيكهاي مختلف بهره مي‌جويند. استراتژي وحدت اسلامي يكي از مهم ترين عواملي است كه مي‌تواند به برقراري و تعميق روابط ميان كشورهاي اسلامي تبديل گردد. در عين حال در اجراي اين استراتژي سفراي كشورهاي اسلامي بايد چند نكته را مد نظر قرار دهند: درك صحيح از استراتژي وحدت وحدت اسلامي و اولويت دادن به آن، شناخت كافي و صحيح از فرق گوناگون مذاهب اسلامي، عدم تاكيد بر موارد اختلاف بين مذاهب اسلامي، هماهنگي و يگانگي در سطوح مختلف ديپلماسي در مورد چگونگي تبيين واجراي استراتژي وحدت اسلامي همچنين بايد متذكر شد كه ديگر مشتركات بسيار قوي بين مسلمانان به گسترش روابط بين الملل اسلامي (بدون چشم داشت صرف به منافع مادي) كمك مضاعف به عمل آورد. مثلاً اهتمام به امور مسلمين كمك به يك مسلمان از نظر شرع مبين اسلام يك فرض است.

گفتار چهارم:

وحدت و اخوت اسلامي

منظور از وحدت و اخوت اسلامي، آن وحدت و برادري است كه در قرآن مجيد، سيرة نبوي و احاديث آمده است كه در اينجا كيفيت و مباني وحدت و اخوت اسلامي را با استفاده به همين منابع بيان مي‌كنيم.

قرآن اساس و بنيان موجوديت نظام سياسي در اسلام است كه با بيان چگونگي سرنوشت اقوام و ملت‌هاي گذشته و باتاكيد بر رمز سعادت و شقاوت آنان، انسان را مسئول حيات سياسي، اجتماعي و اقتصادي خويش در جهان معرفي مي‌كنند و شالوده وحدت و همبستگي رانه تنها در اسلام بلكه در تمام اديان توحيدي، به عنوان عنصر بقا وهستي آنها قلمداد مي‌كند. ديدگاه قرآن در مورد وحدت به سه دسته تقسيم مي‌گردد:

1 ـ وحدت بشريت:

از نظر قرآن تفاوتهاي شكلي در زبان و رنگ و آفرينش انسانها به صورت شعوب وقبايل مختلف براي شناسايي بهتريكديگر است و تنها ملاك تقرب به خدا تقواي بيشتر است. بنابراين رجحان يك دسته نسبت به ديگري مقبول نيست. لذا با توجه به اين مضمون بايد راه صحيح وحدت را انتخاب كرد و طي نمود.

2 ـ وحدت اديان توحيدي:

با توجه به اينكه منشاء همه اديان توحيدي منبع سرشار وحي مي‌باشد طبيعي است كه احكام و مقررات اين اديان براي رستگاري انسانها از اشتراك و وحدت برخوردار باشد از جمله اين اصول مي‌توان به اعتقاد به وحدانيت خدا و تقرب به پروردگار با انجام عمل صالح و تسليم در برابر او اشاره كرد.

3 ـ وحدت امت اسلامي:

قرآن كريم ضمن آنكه انسان را خليفه خدا در زمين معرفي مي‌كند، مسلمانان را به سوي همبستگي والفت و برادري دعوت مي‌كند. و آنها را امت واحده خطاب مي‌نمايد. اسلام هيچ فرق و بر تري از نظر رنگ، جنس و سرزمين براي انسانها قائل نيست. همه انسانها از يك پدر و مادر يعني حضرت آدم و حوا زاده

شده‌اند و همه انسانها عليرغم مقاومت‌هاي ظاهري از نظر اقليم و نژاد به لحاظ فطرت داراي و حدت هستند و همه طبايع انساني از يك اصل واحد نشات مي‌گيرند. قرآن مي‌فرمايد:

خداوند شما را از يك جان آفريد و از آن جفت او را خلق كرد و از آن دو تن خلقي بسيار در اطراف عالم از مرد و زن برانگيخت([6]).

در اين آيه شريفه همه انسانها اعم از سفيد و سياه زرد و سرخ شامل رحمت الهي مي‌شوند.

در آيات ديگر نيز امه واحدة وارد شده است. و اين خود دليل بر يكپارچگي انسانها و عدم برتري‌هاي مادي و دنيوي است. بنابراين به جاي «ملت»«امت» به كار رفته است. «اين است امت ، كه امت واحده است، من نيز پروردگارتان هستم. پس من را عبادت كنيد»([7]). خداوند مسلمانان را خطاب مي‌كند كه شما امت واحدي هستيد. براساس اين اعتقاد هر مسلماني موظف است وحدت ويكپارچگي امت اسلامي را حفظ نمايد رمز دستيابي به آن وحدت، اعتصام به ريسمان الهي، دوري از اختلافات ونيز تاليف و ايجاد اخوت وهمبستگي است. همگي به رشتة دين خدا چنگ زده و به راه‌هاي متفرق نرويد، و به ياد آريد اين نعمت هاي بزرگ خدا را كه شما باهم دشمن بوديد، خدادر دل هاي شما الفت و مهرباني انداخت و به لطف خداوند همه برادر ديني يكديگر شديد، در صورتي كه در پرتگاه آتش بوديد، خدا شما را نجات داد([8]).

بنابراين مسلمانها يك امتند و اين از ضروريات اسلام است، معني يك امت بودن اين است كه بايد وحدت را در بين خودشان حفظ كنند. منظور از وحدت اين نيست كه مسلمانان در يك صف بايستند بلكه وحدت در تشتت به يك منبع واحد است. تفاسير مختلفي از «حبل ا» ارائه شده است: «قرآن، احكام و مقررات دين اسلام و در بعضي از روايات شيعه از ولايت نام برده شده است. حقيقت اين است كه در مسلمانها بايد به يك اصول متشبث شوند كه مورد قبول و اتفاق همه فرق اسلامي نيز باشد و آن عبارت است از اصل توحيد،

اصل نبوت و اصل معاد»([9]).

بيان و رفتار حضرت رسول اكرم o در مورد اخوت و برادري بين مسلمانان كه در طول 23 سال ابلاغ رسالت الهي در آن تلاش وافر مي‌كردند، نشانگر اهميت موضوع و وظيفه مسلمانان در نزديك شدن هر چه بيشتر نسبت به يكديگر مي‌باشد. اخوت اسلامي عنصر اصلي ايجاد امت واحده است وامت واحده اساسي ترين پايه نظام سياسي اسلامي مي‌باشد. پيامبر اكرم o براي آنكه اسلام تازه متولد شده را در برابر خطرات و تهديدات و توطئه‌هاي تفرقه افكنانه دشمن بيمه نمايد. در اولين روزهاي هجرت در مدينه با ايجاد «پيمان مواخات» بين مسلمانان گامي مهم و سرنوشت ساز را براي ايجاد حكومت اسلامي و نيز نظام سياسي اسلام در آينده نزديك برداشتند و در پرتو بركات پربار آن نه تنها اسلام را از اساس بر پايه محكمي بنانهادند، بلكه با تاكيدات و راهنماي هاي بعدي خويش، سياست داخلي حكومت اسلامي را بر مبناي وحدت و اخوت اسلامي قرار دادند و بدين ترتيب از ايجاد هرگونه اختلاف و تفرقه بين مسلمانان جلوگيري نمودند. در مورد اخوت و برادري بين مسلمانان چه حديثي گوياتر از اينكه در شرع اسلام آمده است: Pانّما المؤمنون اخوة...0.

اصول و مباني اخوت اسلامي را كه پيامبر اكرم o نسبت بدانها تاكيد داشتند، مي‌توان در موارد زير شناسايي نمود: ايمان به خداي يكتا، نفي هرگونه برتري و تبعيض، رعايت حقوق ديگران و احترام به آن، دوستي بادوستان خدا و دشمني با دشمنان او، وفاي به عهد، كمك و ياري به مسلمانان.

گفتار پنجم:

نتايج و آثار اخوت اسلامي

ايجاد اخوت اسلامي در جامعه نوپاي اسلامي ثمرات و آثاري ارزشمند به همراه داشت كه از جمله آنها به موارد زير مي‌توان اشاره نمود:

1 ـ اخوت اسلامي به عنوان محور اصلي سياست داخلي پيامبر o قرار گرفت.

2 ـ پيامبر اكرم o در پرتو اخوت اسلامي مدينه را به عنوان مركزي براي حكومت اسلامي در آورد و نظام سياسي اسلام را در آنجا پياده كرد و مدينه را مركز نشر اسلام قرارداد.

3 ـ مسلمانان كه از قبايل مختلف اعراب بودند، همه متحد شدند و در يك جبهه واحد قرار گرفتند. لذا مدينه مركزي شد كه مسلمانان از ديگر بلاد عرب در شمال و شرق و غرب آن سكني گزيدند. هر مسلماني از هر قبيله‌اي كه بود، علاقه داشت در قلمرو حاكميت اسلامي زندگي نمايد.

4 ـ اخوت اسلامي همچون سدي در برابر توطئه‌ها و تهديدات دشمن و عامل حفظ صيانت كيان اسلام بود.

5 ـ اخوت اسلامي الگويي از رفتار و كردار انساني، براي غير مسلمانان بود و به همين دليل يكي از عوامل جذب آنها به دين اسلام به شمار مي‌رفت.

6 ـ اخوت اسلامي به عنوان يك استراتژي پايدار در سياست خارجي پيامبر اكرم o تحت عنوان وحدت اسلامي كه حتي گروه‌هاي غير مسلمان را شامل مي‌شد، مطرح گرديد كه در اثر آن عقد قراردادهاي ذمه با غير مسلمين نقش مهمي در تاليف قلوب داشت.

پهرة دوم:

انقلاب اسلامي ايران و استراتژي وحدت اسلامي

گفتار اول:

جايگاه وحدت اسلامي در نهضت امام خميني (ره)

انقلاب اسلامي ايران با پيروزي بر رژيم ستمشاهي پهلوي، به رهبري امام خميني (ره) يكي از پايه‌هاي مهم سياست داخلي و خارجي خود را بر وحدت اسلامي قرارداد. دفاع از مسلمانان جهان به عنوان يكي از اصول سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران در قانون اساسي كشورمان آمده است. در زمان رژيم طاغوت نه تنها هيچگونه توجه مثبتي به مذاهب اسلامي معطوف نمي‌شد، بلكه رژيم شاه به همراه توطئه‌هاي استكبار جهاني براي نيل به اهداف پليد خود در ايجاد تفرقه و ستيز بين مسلمانان شيعه و سني مي‌كوشيد.

ايران كه با چند كشور مسلمان سني همسايه است، طبيعي است كه وضعيت مردم مسلمان سني مورد توجه كشورهاي مجاور و حتي ملل اسلامي ديگر قرار دارد، لذا مدارا كردن با اين افراد جهت جلو گيري از بروز تنش با كشورهاي ديگر بسيار ضروري به شمار مي‌آيد. جمعيت هاي سني مذهب ايران نيز اكثراً در حواشي مرزهاي جمهوري اسلامي ايران سكني گزيده‌اند كه در صورت بروز يك بحران به دليل امكان ارتباط با خارج كنترل آن بسيار سخت خواهد بود و اين بر اهميت جلب رضايت اين مردم جهت حفظ يكپارچگي ايران مي‌افزايد.

در زمان رژيم طاغوت از آنجائي كه حكام و زمامداران وقت تنها به فكر منافع شخصي خود بودند، توجهي به اين مسائل نمي‌شد و پيروان اهل تسنن در محروميت هاي گوناگون فرهنگي، آموزش، بهداشتي و اقتصادي به سر مي‌بردند و هيچ گونه مشاركتي در امور مملكتي و حكومتي نداشتند. رژيم طاغوت به انحاء مختلف اين مردم محروم را در حالتی از بی خبری نگه داشته بود. فشارهاي سخت اقتصادي و معيشتي و ضعيت زندگي آنها را به صورت رقت باري در آورده بود كه اغلب براي امرار معاش يا به سوي شهرهاي بزرگ كوچ مي‌نمودند و يا به اعمال غير قانوني مثل قاچاق مبادرت مي‌ورزيدند.

در اين ميان قدرتهاي استكبار به سركردگي امريكا با ايجاد احساسات متعصبانه قومي و مذهبي نه تنها احساس نا امني و تشويش خاطر برادران مسلمان شيعه و سني اين مناطق را فراهم مي‌آوردند، بلكه هر از چند گاهي درگيري‌ها و برخوردهاي خونين بين برادران مسلمان ايراني در اين مناطق به راه مي‌انداختند. قدرتهاي استكباري حتي از اين اهرم جهت فشار بر رژيم طاغوت و گرفتن امتياز بيشتر استفاده مي‌كردند. اين سياست در زمان حكومت‌هاي عثماني، صفويه و قاجاريه نيز برگ برنده‌اي در دست قدرت‌هاي خارجي بود.

رژيم طاغوت با تبليغات فراوان به راه انداختن جشن هاي 2500 ساله شاهنشاهي سعي مي‌كرد دست آويزي براي ايجاد يك وحدت ملي و نيز مشروعيت بخشيدن به حكومت متزلزل خود به وجود بياورد، اما در اين راه موفقيت چنداني به دست نياورد، زيرا دستيابي به يك وحدت ملي بدون توجه به خواست‌ها و آرمان‌هاي هر يك از گروه‌هاي تشكيل دهنده كشور ميّسر نخواهد شد. عوامل اين رژيم غافل از اينكه تنها معيار فضيلت در درگاه خداوند تبارك و تعالي تقواست و اسلام رجحان قومي را قبول ندارد، اين نكته را درك نكردند كه وحدت ملي تنها در سايه تفاهم و تساهل مذهبي و احترام به حقوق آراء همه مسلمانان اين مرز و بوم به وجود خواهد آمد، همان چيزي كه تا حدي مي‌توان گفت شاه عباس و نادر شاه به آن توجه نمودند. آنها به خوبي مي‌دانستند كه وحدت اسلامي مقدم تر و جلو تر از وحدت ملي است و تا موقعي كه پيروان مذاهب چه شيعه و چه سني نتوانند به اصول و عقايد مذهبي خود عمل كنند، اين كشور روي ثبات و آرامش را نخواهد ديد و قادر نست آن وحدت سياسي را كه در اين مرز و بوم به منصه ظهور برساند. رژيم پهلوي حتي به اين امر نيز توجه نداشت كه تاكيد بيش از حد بر گرايش هاي همچون «پان ايرانيسم» و واكنش ديگر اقوام ساكن ايران را در مناطق مختلف برخواهد انگيخت آنان بدون توجه به واقعيت‌هاي موجود به نوعي وحدت ملي در رؤياهاي خود مي‌انديشيدند.

به هر حال وضعيت اسفبار اقليت‌هاي مذهبي مسلمان در ايران، اين باور را در ذهن آنها جاي داده بود كه مناطق آنها فراموش شده و از برنامه خدمات رساني دولت حذف گرديده‌اند، در حاليكه سرمايه گذاري در اين منطقه مي‌توانست چهره منطقه را به دليل برخورداري از منابع سرشار طبيعي دگرگون سازد و مردم آنجا نيز بسان ديگر نقاط ايران از حقوق و امكانات موجود بهره مند شوند. اين وضع در دوران ستمشاهي ادامه داشت تا اينكه خداوند متعال مقرر فرمود تا به دست ملت غيور ايران دوران سياه و ذلت

بار حكومت جابرانه طاغوت به پايان رسد.

گفتار دوم:

علل تفرقه و جدايي بين مسلمانان از ديدگاه حضرت امام خميني(ره)

طلوع فجر انقلاب اسلامي به زعامت حضرت امام خميني (ره) پرچمدار نهضت اسلامي و بزرگ منادي وحدت و تقريب مذاهب اسلامي، باعث شدنور اميدي سرشار از تفاهم ويكپارچگي و برادري و انسانيت در قلب مشتاقانش جلوه گر شود. حضرت امام خميني با اطلاع كامل و دقيق از گذشته تاريخ جهان و ايران و باتوجه به آنچه كه نقشه‌هاي رنگارنگ و پليد قدرت‌هاي سلطه گربر سر اين مرز و بوم آورده‌اند به محض ورود به ايران، در دوازدهم بهمن ماه سال 1357 در اولين سخنراني كه در بهشت زهرا ايراد فرمودند، ملت مسلمان ايران را به وحدت كلمه و دوري از تفرقه و جدايي فراخواندند. اينك به بررسي علل تفرقه و وحدت اسلامي از ديدگاه آن امام راحل مي‌پردازيم.

الف ـ توطئه‌هاي شوم قدرت‌هاي سلطه گر:

حضرت امام خميني (ره) از بدو پيروزي انقلاب به كرات امت اسلامي ايران را به هو شياري در برابر توطئه‌هاي مرموزانه دشمن، براي ضربه زدن به پيكر نوپاي انقلاب اسلامي دعوت مي‌كردند از جمله: «الآن اجتماعاتي هست كه به اسم شيعه و سني بنابر ايجاد اختلاف دارند، همانطور كه وابستگان به قدرت بزرگ امريكا در طائف اين مسئله را طرح كردند و براي خدمتگذاري به شوروي است ـ نقشه اختلاف بين برادران را ريختند و به دنبال آن، در كشور خودمان هم اشخاص دارند همان نقشه را پياده مي‌كنند، غافل از آنكه اگر خداي نخواسته اين قدرت‌هاي بزرگ در ايران برگردند، نه اسلام مي‌ماند و نه اهل تسنني و نه اهل تشيعي باقي مي‌گذارند([10]).

امام (ره) در سخنان خود، نقشه‌هاي تفرقه افكنانه از سوي قدرت‌هاي بزرگ را نه تنها مخصوص ايران بلكه يك طرح و توطئه بين المللي، براي تمام كشورهاي اسلامي عنوان مي‌كنند و از مسلمانان مي‌خواهند كه در برابر اين توطئه‌ها به مقابله برخيزند.

«برادران اهل سنت در كشورهاي اسلامي بدانند كه عمال وابسته به قدرت‌هاي شيطاني بزرگ خيرخواه اسلام و مسلمين نيستند و لازم است مسلمانان از آنان تبري كنند و به تبليغات نفاق افكنانه آنان گوش فرا ندهند([11]).»

حضرت امام خميني تبليغات وسيع دشمنان را براي تفرقه و جدايي بين مسلمانان مهم ترين خطر براي اسلام معرفي مي‌كنند: از ملي گرايي خطر ناك تر و غم انگيزتر، ايجاد اختلاف بين اهل سنت و جماعت با شيعيان است، والقاء تبليغات فتنه انگيز و دشمني ساز بين برادران اسلامي است والحمدﷲ در انقلاب اسلامي هيچ اختلافي بين اين دو طايفه وجود ندارد و همه با دوستي و اخوت دركنار هم زندگي مي‌كنند([12]).

ايشان در برابر اين توطئه همگاني و بين المللي قدرت هاي سلطه گر مي‌فرمايند: «امروز روزي است كه تمام طوايف مسلمين مقابل هستند با قدرت‌هاي شيطاني كه اساس اسلام را مي خواهند از بين ببرند. امروز روزي است كه همه به دستور اسلام، به دستور قرآن باهم متحد باشند و تنازع نكنند([13]).»

ب ـ دوري مسلمين از اسلام و قرآن

يكي از علل از بين رفتن مجد و عظمت مسلمين وبه وجود آمدن تفرقه و مشكلات گوناگون ميان آنها، دوري از اسلام و فرامين قرآن كريم مي‌باشد.

مشكل عمده مسلمين جهان دوري از اسلام و قرآن است و اگر مسلمين به جهت امري كه خداي تبارك و تعالي فرموده است. Pوَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ0 اگر به همين يك امر و نهي عمل مي كردند، تمام مشكلاتشان، مشكلات سياسي، اجتماعي و اقتصاديشان رفع مي‌شد و هيچ قدرتي نمي توانست با آن مقابله كند([14]).

امام (ره) يكى از نقشه‌هاي قدرت‌هاي بزرگ را منحرف كردن مسلمانان از دستورات قرآن وايجاد احساسات قومي و قبيله‌اي و ملي گرايانه و نيز ضربه به اخوت آنها ذكر مي‌كنند: «نقشه قدرت‌هاي بزرگ و وابستگان آنها در كشورهاي اسلامي اين است كه قشرهاي مسلم را كه خدا بين آنها اخوت ايجاد كرده است و مؤمنان را به نام اخوت ياد فرموده است، از هم جدا كنند و به اسم ملت ترك ملت كرد، ملت عرب، ملت فارس، از هم جدا بلكه با هم دشمن كنند و اين درست بر خلاف مسير اسلام و مسير قرآن كريم است».([15])..... «اينهايي كه به اسم مليت و گروه گرايي و ملي گرايي بين مسلمين تفرقه مي‌اندازند لشگرهاي شيطان و كمك كنندگان به قدرت‌هاي بزرگ و مخالفين قرآن كريم هستند»([16]).

ايشان در مورد آلت دست قرار گرفتن قرآن توسط قدرتهاي شيطاني و طاغوتي و مهجوريت آن بين مسلمانان در وصيت‌نامه سياسي ـ الهي خود ياد آور مي‌شوند كه «... وكار به جايي رسيد كه نقش قرآن به دست حكومت‌هاي جائر وآخوندهاي خبيث بدتر از طاغوتيان وسيله‌اي براي رشد و فساد و توجيه ستمگران و معاندان حق تعالي شد و مع الاسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل قرآن، اين كتاب سرنوشت ساز نقشي جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد، حال آنكه بايد و سيله جمع مسلمانان و بشريت و كتاب زندگي آنها باشد، وسيله تفرقه و اختلافات گرديد يا به كلي از صحنه خارج شد»([17]).

ج ـ اختلاف آراء و فتاواي علماي مذاهب اسلامي

رهبر كبير انقلاب، در مورد اينكه چرا و چگونه در اسلام مذاهب مختلفي به وجود آمدند و اينكه عقيده و استنباط هر يك مورد احترام است نمي‌تواند و موجب اختلاف بين مسلمانان باشد، مي‌فرمايند». يك دسته از مسلمانان شيعه هستند و يك دسته از مسلمانان «سنّي»، يك دسته «حنفي» و دسته‌اي «حنبلي» و دسته‌اي «اخباري» هستند، اصلا طرح اين معنا از اول درست نبود، در يك جامعه‌اي كه همه مي‌خواهند به اسلام خدمت كنند و براي اسلام باشند، اين مسائل نبايد طرح شود. ما همه برادر هستيم و باهم هستيم، تنها علماي شما يك دسته فتوا به يك چيز دادند و شما تقليد از علماي خود كرديد و شديد «حنفي»، يك دسته فتواي «شافعي» را عمل كردند و يك دسته ديگر فتواي حضرت امام صادق (عليه السلام) را عمل كردند، اينها شدند شيعه، اين به دليل اختلاف نيست، ما نبايد باهم اختلاف و يك تضادي داشته باشيم، ما همه باهم برادريم. برادران شيعه و سني از هر اختلافي احتراز كنند، امروز اختلاف بين ما تنها به نفع آنهايي است كه نه به مذهب شيعه اعتقاد دارند و نه به مذهب «حنفي» و ياساير فرق آنها مي‌خواهند نه اين باشد نه آن([18]).

د ـ دسايس دشمنان داخلي انقلاب اسلامي

امام در تمام مراحل انقلاب اسلامي ملت مسلمان ايران را به هوشياري نسبت به هرگونه خطر و تهديدات داخلي و خارجي ترغيب مي‌نمودند، در مورد حركات مرموزانه ايادي استكبار جهاني و نيز بازماندگان فاسد رژيم طاغوت كه در صدد ايجاد اختلاف در مناطق سني نشين هستند، چنين هشدار مي‌دهند. برادران اهل سنت، برادران اهل تشيع، توجه داشته باشيد، ريشه‌هاي فسادي كه شماها را در طول تاريخ تحت فشار ظالمانه و زير چكمه‌هاي دژخيمان خودشان خرد كردند، الان از بين شما به حمدا رفته و مي‌روند، اينها در صددند با اسم هاي مختلف شماها را به جان هم بياندازند و نتيجه بگيرند،... من هشدار مي‌دهم به بعضي اشخاص كه در صدد مفسده هستند كه ما آنها را مي‌شناسيم، لكن مي‌خواهيم كه خودشان به اسلام توجه كنند و به اسلام خيانت نكنند، اگر شماها در داخل به اسم تشيع و تسنن بخواهيد اختلاف ايجاد كنيد، تكليف براي ما پيدا خواهد شد و ممكن است خداي نخواسته آنهايي كه مي‌خواهند با مفسده جويي بين برادرها اختلاف بياندازند، ما آنها را مي‌شناسيم به برادران اهل سنت و به برادران اهل تشيع و به همه ملت معرفي مي‌كنيم([19]).

گفتار سوم:

عوامل و اسباب تحقق وحدت اسلامي از نظر امام خميني(ره)

الف ـ پيروي از دستورات قرآن كريم

براساس فرامين قرآن همواره تاكيد امام بر ضرورت وحدت بود و آن را به عنوان يك وظيفه شرعي مطرح مي‌كردند. «قرآن كريم كه به ما دستور داده و به مسلمين دستور وحدت داده براي يكسال و ده سال و صد سال نيست، براي سرتاسر عالم است، در سرتاسر تاريخ و ما محتاج به اين هستيم كه عملاً وحدت را محقق بكنيم([20]).

حضرت امام در مورد دستور صريح قرآن مي‌فرمايند: «انما المؤمنون اخوة، اين آيه را همه ملاحظه كنيد، همه اعتصام به حبل ا بكنيد، همه برادر باشيد، برادر باشيد، تا در بهشت هم كه اخوان بر آن سريري كه هستيد در مقابل هم برادر باشيد»([21]).

ب ـ تشكيل حكومت و امت واحده

امام يكي از مهمترين اسباب ايجاد وحدت بين مسلمانان را تشكيل حكومت مي‌دانند: «تشكيل حكومت براي حفظ نظام و وحدت مسلمين است، چنانكه حضرت زهرا (س) در خطبه خود مي‌فرمايند: امامت براي حفظ نظام و تبديل افتراق مسلمين به اتحاد است»([22]).

امت واحد از نظر امام كه متشكل از همه اقوام نژادها و مليت‌ها باشد، هدف اسلام براي مقابله با دشمنان است:«... اسلام آمده تا تمام ملل دنيا را، عرب را، عجم را، ترك را، فارس را، همه را باهم متحد كند و يك امت بزرگ به نام امت اسلام در دنيا برقرار كند، تا كساني كه مي‌خواهند سلطه‌اي بر

اين دولت‌هاي اسلامي و مراكز اسلام پيدا بكنند، به واسطه اجتماع بزرگي كه مسلمين از هر طايفه هستند، نتوانند»([23]).

حضرت امام در مورد تشكيل حكومت و ارتباط آن باوحدت در كتاب ولايت فقيه مي‌نويسند: «ما براي اينكه وحدت امت اسلامي را تامين كنيم، براي اينكه وطن اسلامي را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌هاي دست نشانده آنها خارج كنيم، راهي نداريم جز اينكه تشكيل حكومت بدهيم»([24]).

ج ـ اخوت و برادري

«اخوت و برادري اسلامي يكي از عوامل ايجاد وحدت و همبستگي اسلامي است و موجب خير و بركت در جامعه مي‌باشند. خداي تبارك و تعالي را شكر گزاريم كه همه طوائف ملت ايران، برادران شيعه مذهب و برادران اهل سنت دركنار هم با برادري براي پياده كردن احكام اسلام كوشش مي‌كنند.

برادران و خواهران من! ما امروز در عصري واقع هستيم كه تمام دنيا، تمام كشورها از اقصي نقاط عالم تا اينجا به منزله يك خانه شده‌اند. در سابق چنانچه قضيه‌اي در يك شهر واقع مي‌شد، براي ديگر شهرها هيچ مطرح نبود، ولي امروز اين طور نيست كه اگر مادر اينجا باهم اختلافي بكنيم، منحصر به شهري و يا كشوري مثل كشور ايران باشد، بلكه انعكاس آن در تمام كشورهاي دنيا هست و بازتابش در همه جاهست. اسلام احكام اخلاقيش هم سياسي است. در قرآن است كه مؤمنين با هم برادر هستند. اين يك حكم اخلاقي، اجتماعي، سياسي است. اگر مؤمنين طوايف مختلفه‌اي كه در اسلام هستند و همه مؤمن به خداو پيغمبر اسلام هستند، با هم برادر باشند و همانطور كه برادر بابرادر نظر محبت دارد، همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند علاوه بر اينكه يك اخلاق بزرگ اسلامي است، و نتايج بزرگي دارد، يك حكم اجتماعي بزرگ است و نتايج اجتماعي بزرگي دارد»([25]).

حضرت امام (ره) در ادامه سخنانشان به وحدت واخوتي كه در پرتو انقلاب شكوهمند اسلامي بين برادران شيعه و سني در ايران به وجود آمده است اشاره مي‌كنند و اين اخوت را متعلق به همه مؤمنين جهان مي‌دانند: «... اين برادري كه اكنون در ايران زياد شده، چه آثار رحمتي دارد و چه انعكاس رحمانيت الهي در اين كشور ايجاد شده است... اين اخوت ايماني كه خداي تبارك و تعالي امر به آن كرده و ميان مؤمنين منعقد ساخته، انحصار به مؤمنين يك كشور ندارد، اين عقد اخوت بين تمام مؤمنين دنياست، تمام ممالك اسلام بايد با هم مثل برادر باشند و اگر چنانچه ممالك اسلامي با هم مثل برادر باشند و نوده‌هايي كه در هر كشوري زندگي مي‌كنند با توده‌هاي كشور ديگر مثل برادر نظر داشته باشند، بر همه قدرت‌هاي عالم سلطه خواهند شد([26]).

د ـ تقيه يا پر هيز از اختلاف

از نظر امام خميني تقيه دو حالت دارد: اول تقيه اضطراري كه در مورد بيم از زيان جاني و مالي و آن چه متعلق به اوست، بيم از ضرر به برادران ايماني و نيز بيم از ضرر به حوزه اسلام و ترس در ايجاد اختلاف كلمه مسلمين به كار مي‌رود. دوم تقيه به منظور مدارا كردن براي آنچه مطلوب وحدت مسلمين با محبت و دوستي و مدارا با اهل سنت است بدون اينكه ترس و بيم در كار باشد. به هر حال تقيه به معني سازش با ستمكاران و عدم اعلان مبارزه عليه آنها و اختيار سكوت در مقابل آنان نمي‌باشد.

در خصوص تقيه به منظور مدارا امام صادق ((عليه السلام)) مي‌فرمايند: «از عملي كه باعث ننگ و عار ما مي‌شود بپرهيزيد، مايه سرافرازي ما باشيد نه سرافكندگي، در نماز جماعت آنها (برادران اهل سنت) شركت كنيد، بيمارانشان را عيادت نمائيد و در مراسم تشيعشان حضور بهم رسانيد و مبادا آنان در كارهاي نيك بر شما سبقت بگيرند، كه سزاوار است شما بر آنان پيشي بگيريد، به خدا هيچ چيز محبوب تر از تقيه نيست»([27]).

هـ پيروي از سيرة ائمه اطهار عليهم السلام در خصوص انجام مناسك و عبادات با اهل سنت

از زمان رحلت حضرت محمّد ٥ تا زمان خلافت حضرت امير (عليه السلام) و بعد از آن تا زمان غيبت، ائمه و شيعيان بيش از دويست سال تقيه مي‌كردند و در اجراي شئون اسلامي مثل امور مختلف حج نظير وقوف و ياروز عيد فطر مطابق بادستور «امير الحاج» همانند ديگر مردم رفتار كرده‌اند.

در مورد شركت و حضور در مراسم نمازگزاري اهل تسنن رواياتي از بزرگان دين وائمه معصوم عليهم السلام نقل شده كه از جمله آنها روايت حضرت امام صادق (عليه السلام) بدين مضمون مي‌باشد: كسي كه با آنان در صف اول مانند كسي است كه پشت سر رسول ا‌ ٥ در صف اول نماز بخواند. حضرت امام خميني (ره) شركت در نماز جماعت اهل سنت را بر ماومين توصيه كرده‌اند. بعد از ارتحال حضرت امام، حضرت آيه ا‌ خامنه‌اي در نظام جمهوري اسلامي ايران با برافراشته نگهداشتن پرچم وحدت بين مسلمانان و تقريب مذاهب اسلامي تداوم بخش راه امام گرديده‌اند و در مقاطع مختلف با اعلام مواضع و رهنمودهاي خويش بر تحقق وحدت اسلامي و آگاهي از خطرات و توطئه‌هاي استكبار جهاني تاكيد نموده‌اند. مقام معظم رهبري دعوت به وحدت و تقريب مذاهب اسلامي را امر جهاني مي‌دانند.

بهرة سوم:

اقدامات جمهوري اسلامي ايران براي رسيدن به وحدت اسلامي

جمهوري اسلامي ايران جهت تحقق هر چه بيشتر وحدت و تفاهم ميان مذاهب اسلامي موجود در كشور و نيز نزديكي باديگر ملل مسلمان جهان، برنامه‌ها و فعاليت هاي وسيعي را از آغاز تاسيس خود به انجام رسانيده است كه ذكر همه آنها در اين مختصر ميسر نخواهد بود و لذا تنها گوشه‌هايي از اهم اين اقدامات ذكر مي‌گردد.

گفتار اول:

احترام به حقوق و عقايد فرقه‌هاي اهل سنت

در زماني كه قانون اساسي جمهوري اسلامي از سوي فقها و حقوقدانان، مورد بررسي و تدوين قرار مي‌گرفت، يكي از مسائل بسيار مهمي كه در گذشته بدان توجه نمي‌شد، در قانون اساسي گنجانده شد و آن به رسميت شناختن مذاهب چهارگانه اهل تسنن مي‌باشد. مذهب رسمي كشور در قانون اساسي شيعه اثني عشري مي‌باشد، اما ساير مذاهب اهل تسنن نيز از آزادي راي عقيده و انجام فرايض ديني خود برخوردار شدند. از امور ديگري كه برادران اهل سنت در ايران بعد از پيروزي انقلاب اسلامي از آن بهره مند هستند حق انتخاب نمايندة در مجلس شوراي اسلامي است.

از اقدامات ديگر جمهوري اسلامي، احترام به حقوق و عقايد اهل سنت در مورد اجراي حدود و قوانين شرعي بر طبق عقايد و اصول مذهب آنها مي‌باشد كه اين خودگامي بزرگ در ايجاد تفاهم و تقريب مذاهب اسلامي است. از امور ديگري كه مناطق سني نشين ايران بعد از انقلاب اسلامي از آن بهره مند شدند امكان برگزاري آزادانه نماز جمعه به امامت ائمه اهل سنت مي‌باشد، همچنين داشتن مساجد مخصوص به خود از ديگر امتيازاتي است كه در پرتو جمهوري اسلامي از آن متنعم گشته‌اند.

گفتار دوم:

برگزاري مراسم هفته وحدت

از ابتكارات و مساعي جمهوري اسلامي ايران جهت گستراندن تفكر اتحاد مسلمين، برگزاري مراسم هفته وحدت است و با متصل كردن به تاريخ (12 ربيع الاول و 17 ربيع الاول) به يكديگر و برگزاري مجالس و محافل متعدد جشن جماعت شيعه و سني در آن مراسم شركت مي‌كنند. حضرت امام (ره) در اين مورد مي‌فرمايند: «اميدوارم كه خداوند تبارك و تعالي به ملت قهرمان ايران سلامت بدهد و هفته وحدت را واقعا هفته وحدت درست كند، نه اينكه فقط ما هفته وحدت مي‌گيريم، ما محتاج به وحدت هستيم در

سالیان دراز و همیشه»([28]).

این یکي از بزرگترین اقدامات در راه حفظ وحدت است، همچنانکه در زمان رژیم طاغوت با برگزاري جشن‌ها و پایکوبي‌ها در روز کشته شدن عمر بن خطاب، به نام عید خلیفه کشان بزرگ ترین ضربه نسبت به وحدت مسلمانان صورت مي‌گرفت و زمینه ایجاد تفرقه و اختلافات پایدار به وجود مي‌آمد. که با اتحاد يك روش وحدت بخش و تقریبي بعد از پیروزي انقلاب اسلامي این عامل تفرقه افکن کنار گذاشته شد.

ایجاد امکانات آموزشي، رفاهي، بهداشتي:

در زمان رژیم طاغوت بسیاري از مناطق و استان‌هاي کشور در اثر سیاست‌هاي نادرست واستکباري، در محرومیت هاي متعدد آموزشي، رفاهي و بهداشتي بسر مي‌بردند که مناطق سني نشین نیز مشمول این محرومیت‌ها بودند. جهاد سازندگي به دنبال فرمان تاریخي حضرت امام (ره) در سال 1358 براي سازندگي و آباداني کشور تاسیس شد و با ایثار و فداکاري جهادگران سخت کوش، کمر همت به محرومیت زدایي از جاي جاي این کشور پهناور بست و با وجود مشکلات فراوان و توطئه‌هاي دشمنان و گروهکهاي منحرف ضد انقلاب اسلامي، توانست خدمات و امکانات آموزشي، رفاهي و بهداشتي را حتي به مناطق محروم اهل سنت نیز برساند. ایجاد راه‌هاي ارتباطي و ساختن جاده‌ها، پلها، بیمارستانها و درمانگاهها، مدارس و بهره برداري از آب آشامیدني، برق و... به سرعت در این مناطق آغاز گردید. بطوري که هم اکنون بسیاري از روستاها و شهرهاي این مناطق از وضعیت نسبتاً مناسبي برخوردار هستند که قابل مقایسه با نیم قرن حکومت رژیم پهلوي نیست.

گفتار سوم:

مبارزه با تبلیغات تفرقه افکن و آرامش زدا

به دنبال تلاش‌هاي خالصانه جمهوري اسلامي براي تحقق تفاهم و اخوت اسلامي ميان برادران اهل سنت و شيعه، قدرت‌هاي شكست خورده، و مايوس استكباري با استفاه از سابقه اختلافات گذشته وايجاد القائات بي‌اساس و تهمت‌هاي ناروا كوشيدند، شيعيان و پيروان اهل سنت را در نظر يكديگر خلاف واقع و حقيقت نشان دهند.

آنها كوشيدند كه شيعيان را در نظر اهل سنت، كساني معرفي نمايند كه داراي قرائن غير از قرآن موجود هستند، خدا و پيغمبر شان حضرت علي (عليه السلام) است و حبشان كربلا و نجف؛ ائمه را مي‌پرستند و بر خاكشان سجده مي‌كنند، تنها سه نوبت نماز مي‌خوانند و هر عمل صحيحي هم كه در برابر اهل سنت انجام مي‌دهند براي تقيه است([29]).

و از آن طرف اهل سنت را در نظر شيعيان، دشمنان سرسخت اهل بيت معرفي نموده و تهمتها و سنتهاي گوناگون به آنها نسبت مي‌دهند.

قدرتهاي سلطه گر غرب با بهره برداري از اين القائات تبليغاتي و نيز با تجهيز گروهك هاي خود فروخته ضد انقلاب با ايجاد ترور و وحشت به خصوص در اوائل انقلاب اسلامي، جوي از نا امني و نا آرامي در مناطق سني نشين كشور ايجاد كرده بودند كه خود مانع بزرگي در ايجاد و ارائه خدمات و امكانات رفاهي، بهداشتي و آموزشي به شمار مي‌رفت. البته هر چند مردم پاك سيرت و مسلمان و انقلابي اهل سنت به اين تبليغات دروغين و بي‌اساس دشمنان اسلام و انقلاب توجه نكردند، اما بالاخره با تلاش همه جانبه فرزندان انقلابي اين مرز و بوم جلو تحريكات تفرقه افكنانه و ضد وحدت دشمن گرفته شد و امنيت و آرامش كه يكي از وظايف اصلي نظام مقدس جمهوري اسلامي است، در اين مناطق حاكم گشت، حضرت امام خميني (ره) كه يك لحظه نيز از فكر اتحاد و وحدت ميان مسلمين غافل نبودند فرمودند: «آقايان اهل سنت و علماي شيعه مدتهاست كه زحمت مي‌كشند تفرقه راكنار بگذارند و كساني كه پيغمبرشان و دين شان يكي است، همراه وبرادر باشند، لكن افرادي كوشش مي‌كنند كه تفرقه ايجاد كنند و شما خوب مي‌دانيد كه چه كسي از تفرقه سود مي‌برد»([30]).

گفتار چهارم:

برگزاري كنفرانس‌هاي بين المللي

انقلاب اسلامي ايران همانگونه كه مسلمانان ايران را دعوت به اخوت و برادري و تفاهم اسلامي مي‌نمايد، تمام مسلمانان را نيز براي تحقق وحدت اسلامي فرا مي‌خواند، در اين راه جمهوري اسلامي اساس كار خود را دعوت از علماء و متفكران سراسر جهان براي بحث و تبادل نظر جهت آگاهي و شناخت بيشتر مذاهب از يكديگر و جلوگيري از هرگونه فعاليت‌هاي تفرقه افكنانه و ضد وحدت قرارداد.

جمهوري اسلامي ايران با برپايي كنفرانسهاي متعدد در سطح جهان توانسته است گام‌هاي بزرگي براي گردهمايي و تجمع علماي اسلامي بردارد و با ايجاد بحث‌هاي مفيد و سازنده بيشتر حقايق مكتوم و نيز مشتركات و امور مورد تفاهم مذاهب اسلامي را آشكار نمايد و زمنيه‌هاي تشكيل امت واحده را به وجود آورد.

حضرت آيه ا خامنه‌اي در خصوص برگزاري كنفرانسها و گردهمايي‌هاي بزرگ علماء و متفكران اسلامي مي‌فرمايند: «مهم ترين مسئوليت اين كنفرانس‌ها و امثال آن، شناسايي مباني وحدت و رفع آن موانع مي‌باشد». به اعتقاد ما كوچك ترين اين موانع ذهنيت عامه مردم است كه بايد اصلاح شود و اين امر جز بدست علماء، روشنفكران، نويسندگان و كساني كه قدرت هدايت افكار عمومي را دارند، ميّسر نيست([31]).

گفتار پنجم:

تاسيس مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي

مقام معظم رهبري، با توجه به ضرورت استمرار و تقريب انديشه نزديكي و اتحاد بين مسلمانان براساس يك طرح و برنامه مدون و تشكيلات منسجم در سال 1369 باصدور فرماني، مركزي به نام مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي تاسيس فرمودند كه مقر آن در تهران مي باشد.

الف ـ اهداف مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي

اهداف اين مجمع طبق ماده 3 اساسنامه آن عبارتند از:

1 ـ كوشش در راه ايجاد آشنايي و تفاهم بيشتر بين علماء و متفكران و پيشوايان مذهبي جهان اسلامي در زمينه‌هاي اعتقادي، فقهي، اجتماعي و سياسي.

2 ـ سعي در ايجاد هماهنگي و تشكيل جبهه واحد براساس اصول مسلّم اسلامي مقابل توطئه‌هاي تبليغاتي و تهاجم فرهنگي دشمنان اسلام.

3 ـ اشاعه فكر تقريب بين توده‌هاي مسلمان و آگاه كردن آنان با توطئه‌هاي تفرقه انگيز دشمنان.

4 ـ كوشش در تحكيم و اشاعه اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامي.

مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي اهداف فوق را به طرق مختلف تحقق مي‌بخشد، از جمله:

* شناسايي و تماس با جمعيت‌ها و انجمن‌ها و شخصيت‌هاي گوناگون مسلمان كه مؤيد بين المذاهب هستند.

* به منظور ايجاد زمينه فعاليت‌هاي مشترک؛ تاليف و تحقيق و نشر و توزيع كتب و مطبوعات و تحقيقات و بررسي هاي علمي و اجتماعي مناسب در زمينه مسائل مشترك مذاهب اسلامي.

* ايجاد و گسترش فعاليت‌هاي حو زوي و دانشگاهي در زمينه فقه و اصول تطبيقي.

* برگزاري مجامع و جلسات ثابت و فوق العاده.

مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي داراي يك شوايعالي مرّكب از علماء و دانشمندان ايران و اقصي نقاط جهان است، علاوه بر آن داراي يك مجمع عمومي است كه اعضاي آن از ميان علماء متفكران و پيشوايان مذاهب اسلامي در جهان كه موافق فكر تقريب مذاهب اسلامي باشند، انتخاب مي‌شوند كه حداقل سالي يكبار با حضور اكثريت اعضا تشكيل مي‌گردد.

پس از تاسيس مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي و تدوين اساسنامه و خط مشي و اهداف آن، يكي از اولين و مهم ترين اقدامات اين مجمع ارائه و عرضه منشور تقريب است كه شامل نمونه راههاي علمي و عملي تقريب مذاهب اسلامي است و در دسترس جمع كثيري محققان و انديشمندان مذاهب اسلامي در سراسر جهان اسلام قرار گرفت در واقع بدين وسيله از آنها دعوت گرديد تا تحقيقات و نظرات ومطالعات خود را به سوي اين موضوعات مورد نياز و ضروري براي تحقق انديشه تقريب مذاهب اسلامي سوق دهند تا محور و ملاكي باشد براي بحثه‌هاي انتقادي يا تكميلي آنها.

رئوس اصلي فعاليت‌ها و اقدامات مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي را مي‌توان از قبيل امور ذيل نام برد: قرآن و تفسير، روايات و احاديث، رجال و تراجم، كتاب‌ها و مؤلفان، كلام و مناظره فقه و اجتهاد، اهل بيت عليهم السلام وسلسله جليل القدر سادات، صحابه و تابعين، سياست و حكومت. همچنين مجمع به تاسيس دانشگاه مذاهب اسلامي ومركز مطالعات فقهي كلامي اقدام نموده است.

ب ـ خط مشي مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي

1 ـ جلب نظر علماي مذاهب اسلامي و ايجاد هماهنگي ميان آنان، مراد از مذاهب اسلامي آن مذاهبي است كه اصول و اركان اسلام را پذيرفته‌اند و مي‌توان پيروان آن را مسلمان ناميد.

2 ـ مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي موسسه‌اي است فرهنگي، علمي، ولي در شرايط لازم و طبق اقتضاي مصلحت امت اسلامي موضع گيري هاي سياسي را هم اتخاذ خواهد نمود.

3 ـ اين مجمع از انجام هرگونه عمل تفرقه آميز ميان مسلمانان، اجتناب مي‌نمايد و دولت هايي كه موجب وحدت و ائتلاف امت اسلامي مي‌شوند توصيه مي‌كند.

4 ـ اين مجمع جهاني و بين المللي است و به يك منطقه يا يك كشور و يا يك نژاد اختصاص ندارد و در خط مشي خود همواره به اين امر مهم متعهد خواهد بود.

5 ـ هدف اين مجمع دعوت پيروان يك مذهب به مذهب ديگر نيست، بلكه هدف ايجاد تفاهم و دست يافتن به زمينه‌هاي مشترك است.

6 ـ مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي كوشش خواهد نمود با كليه مجامع و انجمن هاي اسلامي در سراسر جهان رابطه بر قرار نمايد.

7 ـ مجمع براي رسيدن به اهداف خود، از كليه وسائل تبليغاتي مشروع نظير روزنامه، مجله، فيلم، تشكيل كنفرانس‌ها، تهيه برنامه‌هاي را ديو و تلويزيون استفاده خواهد كرد.

8 ـ اين مجمع تعهد دارد در حد امكان اختلافات نو ظهور ميان كشورها و گروه‌هاي اسلامي را مرتفع ساخته و طرفهاي نزاع را به صلح و آرامش دعوت نمايد.

9 ـ مجمع در حفظ و مبادله ميراث مشترك فرهنگ اسلامي در هر زمان و مذهب كوشا مي‌باشد و عقيده دارد، كليه مواريث فرهنگي و علمي مسلمين از آن همه است.

10 ـ اين مجمع بررسي و بحث در مسائل مورد اختلاف مذاهب اسلامي را در جوّي آرام و دور از تعصب براساس دليل و برهان و استنباط سالم تشويق مي‌كند و به همين خاطر جلسات مشورتي مركّب از علماء و مذاهب مختلف را تشكيل خواهد داد.

11 ـ مجمع جهاني تقريب مذاب اسلامي، سعي در ايجاد رابطه با محققان مذاهب اسلامي جهت شناختن آراء متخصصين مذاهب آنان خواهد نمود.

12 ـ مجمع خواهد كوشيد تا اختلافات مذهبي را شناسايي كند و در از ميان بردن آنها اقدام نمايد.

نتيجه گيري

انقلاب اسلامي ايران واكنشي از سوي طرفداران احياتفكر ديني براي حل مشكلات جوامع اسلامي و چاره جويي آنها با استفاده از اصول و مقررات ارزشمند اسلام بود. اين واكنش در مقابل استبداد و استكبار كه منافع خود را در نبود اسلام مي‌ديدند، به وجود آمد. مبارزين اسلامي براي تحقق بخشيدن به آرمان‌هاي اسلام با تاكيد بر هويت اسلامي به اتحاد و نزديكي فرق گوناگون مذهب اسلام مي‌انديشيدند و به همين خاطر بود كه نظر مثبت پيروان مذاهب اسلامي نسبت به انقلاب اسلامي جلب شد.

انقلاب اسلامي تنها منحصر به مسلمانان ايران نيست بلكه آرمان‌هاي آنها مورد دلخواه و مطلوب ميليون‌ها مسلماني است كه در كشورهاي خارج، خواه اسلامي و خواه غير اسلامي زندگي مي‌كنند. همينطور مبارزات انقلاب منحصر به داخل كشورها نيست بلكه اعتقاد بر اين است كه روند مبارزات انقلاب منحصر به داخل كشورها نيست بلكه اعتقاد بر اين است كه روند مبارزات ملي بايد در سطح بين المللي انجام پذيرد، چرا كه تحقق بعضي از آرمان هاي اسلامي بعد از تاسيس يك حكومت اسلامي منوط به هماهنگي و نزديكي كشورهاي اسلامي است. انقلاب اسلامي به بيداري هويت اسلامي مسلمانان جهان دامن زد و آنها را نيز به سوي مبارزات اسلامي كشاند.

براي تحقق اهداف بين المللي اسلام، استراتژي وحدت اسلامي به عنوان يكي از پايدار ترين خط مشي‌هاي جمهوري اسلامي ايران اتخاذ شده است.

وحدت اسلامي به معني تاكيد و تكيه بر مشتركات بين مذاهب اسلامي با مطرح نكردن نقطه نظرات متضاد مي‌باشد. وحدت اسلامي به معني انتخاب يك مذهب به عنوان مذهب تمام مسلمانان نمي‌باشد بلكه پيش شرط رسيدن به وحدت اسلامي، وجود اخوت اسلامي به معني احساس برادري بين مسلمانان و كشورهاي اسلامي نسبت

به يكديگر است.

جمهوري اسلامي ايران براي رسيدن به وحدت اسلامي در سطح ملي و بين المللي تلاش‌هاي زيادي به انجام رسانده است كه نتايج مثبت آنها به وضوح روشن است در سطح كلان نتيجه اين اقدامات را در گسترش نهضت‌هاي اسلامي و مبارزات مسلمانان جهان براي ساختن جامعه‌اي براساس اسلام مي‌توان مشاهده نمود. اين آثار جز با بهره گيري از امكانات موجود ملي و بين المللي به دست نيامده‌اند.

در آينده نيز مسلماً اين استراتژي از طرف جمهوري اسلامي ايران مورد پي گيري قرار خواهد گرفت كه در اين مورد لازم است با توجه به تجارب گذشته آثار مثبت تري ارائه گردد. يكي از مكانيسم هايي كه در تحقق اين استراتژي بسيار مي‌تواند مؤثر باشد، سازمان كنفرانس اسلامي است. اين سازمان كارائي خود را در رفع ستم از يكي از ملل مسلمان يعني مسلمانان بوسني و هرزگوين در عصر حاضر، نشان داده است، تنها عامل موثر در پيروزي اين سازمان، وحدت و اتفاق نظر كشورهاي اسلامي در حمايت از مسلمانان بي دفاع بوسني بود و مي‌توان گفت كه در صورت تكرار چنين اتفاق نظري در مورد مسائل ديگر، باز اين سازمان در پيش بردن اهداف خود موفق خواهد بود.

براي وحدت و اتفاق نظر كشورهاي اسلامي در قالب سازمان كنفرانس اسلامي لازم است مشكلات موجود بين كشورهاي مسلمان شاسايي و حل شود. همچنين بايد براي رفع مشكلات متوسل و متمسك به اسلام بود. در چنين شرايطي بايد از استعدادها و منابع قوت كشورهاي اسلامي براي تقويت سازمان كنفرانس اسلامي و تبديل آن به يك سازمان بسيار قوي در سطح بين المللي و محوّل كردن وظايف گوناگون اقتصادي، سياسي، فرهنگي و نظامي در آن و استمرار وحدت بين مسلمانان استفاده نمود.

منابع و مآخذ:

الف ـ كتب

1 ـ الگار، حامد، نهضت بيداري در جهان اسلام. ترجمه سيد محمد مهدي جعفري.

2 ـ بي‌آزار شيرازي، عبدالكريم، اسلام آئين همبستگي، انتشارات بعثت، تهران 1354.

3 ـ بي‌آزار شيرازي، عبدالكريم، همبستگي مذاهب اسلامي، انتشارات اميركبير، 1357.

4 ـ بي‌آزار شيرازي، عبدالكريم، رسالت انقلاب اسلامي ايران در توحيد كلمه ، دفتر نشر فرهنگ اسلامي 1370.

5 ـ بي‌آزار شيرازي، عبدالكريم، مشعل اتحاد، موسسه انجام كتاب 1370.

6 ـ خامنه‌اي، محمد، حج از ديدگاه حقوق بين الملل، انتشارات كيهان 1371.

7 ـ خميني، روح ا، صحيفه نور

8 ـ خميني، روح ا، ولايت فقيه

9 ـ خميني، روح ا، كشف الاسرار

10 ـ خدوري، مجيد، تجديد حيات سياسي اسلام، از سيد جمال تا اخوان، ترجمه حميد احمدي.

11 ـ دار التقريب بين المذاهب الاسلامية ويژه‌نامه تقريب، سال‌هاي (72 ـ 69).

12 ـ شري، محمد جواد، امير المؤمنين اسوه وحدت، ترجمه محمدرضا عطائي، انتشارات بنياد پژوهش‌هاي اسلامي، مشهد، 1366.

13 ـ عنايت، حميد، سيري در انديشه سياسي عرب، انتشارات اميركبير.

14 ـ عنايت، حميد، انديشه سياسي اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدين خرمشاهي، انتشارات خورازمي 1365.

15 ـ عميد زنجاني، عباسعلي، انقلاب اسلامي و ريشه‌هاي آن، موسسه خدمات فرهنگي انقلاب 1367.

16 ـ قوام عبدالعلي، اصول سياست خارجي و سياست بين الملل، انتشارات سمت 1370.

17 ـ كاظمي، علي اصغر، نقش قدرت در جامعه روابط بين الملل، نشر قومس، 1369.

18 ـ مطهري، مرتضي، نهضت‌هاي اسلامي در صد سالة اخير، انتشارات صدرا، بي‌تا.

19 ـ مصطفوي، سيد جواد، اتحاد و همبستگي در نهج البلاغه، بنياد پژوهش‌هاي اسلامي مشهد 1362.

20 ـ موثقي، احمد. استراتژي وحدت از انديشه سياسي اسلام. دفتر تبليغات اسلام قم 1370.

21 ـ الموسوي،...، مباحثي عميق در جهت وحدت امت اسلامي، ترجمه احمد صادقي، انتشارات حاذق، قم 1362.

22 ـ نقوي، پاكباز و محمدي ملايري، نادرشاه، انتشارات بنياد، چاپ سوم 1369.

ب ـ مقالات

23 ـ جنبش هاي اسلامي در قرن معاصر، روزنامه سلام 29/6/71.

24 ـ گسترش جنبش‌هاي اسلامي، روزنامه كيهان 9 / 4 / 70.

25ـ گسترش جنبش‌هاي اسلامي از شمال افريقا تا كرانه اقيانوس آرام، كيهان 11/4/70.

26 ـ بنياد گرائي و علل خيزش آن در قرن حاضر، ابرار 22/1/72.

27 ـ بازگشت به هويت اسلامي، كيهان 10/2 /70.

28 ـ مجله سياست خارجي، شماره 1، سال 66، دفتر مطالعات سياسي و بين المللي.

([1]). تقريرات درس آقاي دكتر افتخاري در «درس انديشههاي سياسي قرن 20» دانشكده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران، نيمسال سوم سال تحصيلي 1373 ـ 1372.

([2]). «بازگشت به هويت اسلامي» كيهان، شماره 14173 مورخ 10/2/1370.

([3]). هرايرد كمجيان، جنبش هاي اسلامي در جهان عرب، انتشارات كيهان، ص 14.

([4]). عبدالكريم، بيآزار شيرازي، رسالت انقلاب اسلامي ايران در توحيد كلمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 137 ص 30 و 31.

([5]). ويژه نامه تقريب 1 ـ 1369 ـ ص 82.

([6]). سوره نساء آيه 1.

([7]). سوره انبياء آيه 92.

([8]). سوره آل عمران آيه 103.

([9]). استاد محمد واعظ زاده خراساني، وحدت اسلامي، مجمع جهاني تقريب بين مذاهب اسلامي، سال 1371، ص 2.

([10]). صحيفه نور، ج 14، ص 181، مورخ 24 /1/1360.

([11]). صحيفه نور، ج 13، ص 81، مورخ 21 / 6 / 1359.

([12]). صحيفه نور، ج 13، ص 82.

([13]). صحيفه نور، ج 13، ص 102.

([14]). صحيفه نور، ج 7، ص 176 ، مورخ 1 / 4 / 58.

([15]). امام خميني (ره)، رساله نوين ـ مسائل سياسي و حقوقي، ترجمه و توضيح بي آزار شيرازي 1360 ـ ص 140.

([16]). همان.

([17]). وصيت نامه سياسي، الهي حضرت امام خميني (ره).

([18]). صحيفه نور، ج 12، ص 259، 31/4/59.

([19]). رساله نوين ـ مسائل سياسي و حقوقي، پيشين، ص 146.

([20]). صحيفه نور، جلد 19، ص 250 ، مورخ 9/9/64.

([21]). صحيفه نور، جلد 15، ص 281 مورخ 20/10/60.

([22]). ولايت فقيه، ص 42.

([23]). رساله نوين ـ مسائل سياسي و حقوقي، امام خميني، ص 139.

([24]). ولايت فقيه، ص 41 ـ 42.

([25]). بيآزار شيرازي، حكيمي، مشعل اتحاد، ص 8 ـ 37.

([26]). همان.

([27]). امام خميني، الرسائل، باب 26، روايت 2.

([28]). صحيفه نور، جلد 19، مورخ 9/9/64، ص 250.

([29]). بيآزار شيرازي، مشعل اتحاد، موسسه انجام كتاب، 126، ص 6.

([30]). صحيفه نور، جلد 16، مورخ 25 / 5 / 61، ص 248.

([31]). ويژهنامه تقريب ـ دبيرخانه كنفرانس وحدت اسلامي ـ 1369 تهران.